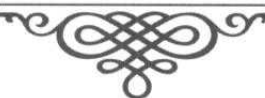


عہدِ عتیق



جلد سوم

کتابِ ہایِ حکمت

بر اساس کتابِ مقدس اورشلیم

ترجمہ پیروز سیار



www.ketab.ir

عنوان قرارداد: کتاب مقدس. عهد عتیق. فارسی Bible. O. T., Persian • عنوان و نام پدیدآور: عهد عتیق / ترجمه پیروز سیار. • مشخصات نشر: تهران، نشر نی، هرمس، ۱۳۹۸ • مشخصات ظاهری: ج. • شابک: دوره ۴-۰۲۶۴-۰۶-۰۶۲۲-۹۷۸، ج. ۱ ۹۴۲-۳۶۳-۹۶۴-۹۷۸، ج. ۲ ۵۲-۰۴۰-۴۵۶-۶۰۰-۹۷۸، ج. ۳ ۷۳-۰۲۶۳-۰۶-۰۶۲۲-۹۷۸ • وضعیت فهرست نویسی: فیبا • یادداشت: عنوان اصلی: Ancien Testament؛ ج. ۱ (چاپ سوم: ۱۳۹۹) (فیبا)؛ چاپ قبلی: هرمس، ۱۳۹۴؛ ج. ۲ (چاپ دوم: ۱۳۹۹) (فیبا)؛ ج. ۳ (چاپ اول: ۱۳۹۹) (فیبا). • مندرجات: ج. ۱. کتابهای شریعت یا تورات: براساس کتاب مقدس اورشلیم. - ج. ۲. کتابهای تاریخ براساس کتاب مقدس اورشلیم. - ج. ۳. کتابهای حکمت براساس کتاب مقدس اورشلیم. • موضوع: کتاب مقدس. عهد عتیق - نقد و تفسیر. Bible. Old Testament - Criticism, interpretation, etc. • شناسه افزوده: سیار، پیروز، ۱۳۳۹ - مترجم. • رده بندی کنگره: BS۱۱۷۸ • رده بندی دیویی: ۲۲۱/۶ • شماره کتابشناسی ملی: ۶۰۶۸۴۲۲

مترجمان کتابهای حکمت از عبری به فرانسه عبارتند از:

ایو پ: س. لارش (C. Larcher)

مزامیر: ژ. ژلینو، ر. اشواب، ر. تورنه (J. Gelineau, R. Schwab, R. Tournay)

امثال: پ. اووره، ه. دوتسبرگ (P. Auvray, H. Duesberg)

جامعه: ر. پوترل (R. Pautrel)؛ غزل غزله: آ. روبیر (A. Robert)

حکمت سلیمان: ا. اوستی (É. Osty)؛ حکمت بن سیرا: پ. اووره، ه. دوتسبرگ (P. Auvray, H. Duesberg)

تصاویر کتاب اثر هنرمند فرانسوی گوستاو دوره (Gustave Doré) است.

© Les Éditions du Cerf, 1998

© Les Éditions Nashr-e Ney pour la traduction persane
des Livres Deutérocanoniques, 2005



تهران: خیابان ولی عصر، بالاتر از میدان ونک،
شماره ۹۳، کد پستی ۱۹۶۹۸۳۳۱۶
تلفن: ۸۸۷۰۶۷۱، فاکس: ۸۸۷۹۰۶۱۶
www.hermes-ec.com



نشر نی

تهران، خیابان دکتر فاطمی، خیابان رهی معیری،
شماره ۲۰، کد پستی ۱۴۱۳۷۱۷۳۷۱،
تلفن: ۸۸۰۲۱۲۱۴، فاکس: ۸۹۷۸۲۴۶۴
www.nashreney.com

L'Ancien Testament Les Livres Sapientiaux
À partir de la Bible de Jérusalem
Traduction persane par Pirouz Sayar

عهد عتیق: کتابهای حکمت
بر اساس کتاب مقدس اورشلیم
ترجمه پیروز سیار

• چاپ اول: ۱۳۹۹، تهران • حروفچینی، نمونه خوانی و صفحه آرای: پیروز سیار
• طراحی جلد و خوشنویسی: مسعود نجابتی • لیتوگرافی: باختر • چاپ: اکسیر
• صحافی: رنوف • قیمت: ۲۲۰/۰۰۰ تومان • تعداد: ۲۱۰۰ نسخه

ISBN 978-622-060-263-7

شابک ۷-۲۶۳-۰۶-۶۲۲-۹۷۸

ISBN 978-622-06-0264-4

شابک دوره ۴-۲۶۴-۰۶-۶۲۲-۹۷۸

تمام حقوق این اثر برای ناشران محفوظ است

هیچ بخشی از این کتاب، بدون اجازه کتبی ناشران، قابل تکثیر یا تولید مجدد به هیچ شکلی، از جمله چاپ، فتوکپی، انتشار الکترونیکی، تصویر و صدا نیست. این اثر تحت پوشش قانون حمایت از حقوق مؤلفان، مصنفان و هنرمندان ایران قرار دارد.

Printed in Iran

فهرست کوتاه مطالب

۱۷	مقدمهٔ نایب‌های حکمت
۲۳	مقدمهٔ ایوب
۲۹	ایوب
۱۵۱	مقدمهٔ مزامیر
۱۶۳	مزامیر
۴۹۷	مقدمهٔ امثال
۵۰۱	امثال
۶۰۵	مقدمهٔ جامعه
۶۰۹	جامعه
۶۴۹	مقدمهٔ غزل غزها
۶۵۵	غزل غزها
۶۸۳	مقدمهٔ حکمت سلیمان
۶۸۹	حکمت سلیمان
۷۶۱	مقدمهٔ حکمت بن سیرا
۷۶۷	حکمت بن سیرا
۹۵۱	فهرست پانوشته‌های کلیدی
۹۵۵	فهرست اعلام کتابهای حکمت
۹۶۱	اسامی خاص کتابهای حکمت (فارسی-عربی-انگلیسی-فرانسه)
۹۷۱	اسامی خاص کتابهای حکمت (فرانسه-انگلیسی-عربی-فارسی)

مقدمه کتابهای حکمت

نام «کتابهای حکمت» را به پنج کتاب عهد عتیق می‌دهند: ایوب، امثال، جامعه، حکمت بن سلیمان و مزامیر و غزل غزلها را به طرز نامناسبی ضمیمه آنها می‌کنند. بن آثار ارائه‌گر جریانی فکری هستند که در بخشی از کتابهای طوییا و باروک نیز باز یافته می‌شود.

این ادبیات حکیمیه در سراسر مشرق‌زمین قدیم شکوفا گشت. مصر در طول تاریخ خود نوشته‌های حکمت پدید آورده در بین‌النهرین، از دوره سومری، امثال و حکایات و اشعاری در باب رنج تصنیف شدند که آنها را با کتاب ایوب مقایسه کرده‌اند. این حکمت بین‌النهرینی در کنعان نفوذ کرد: در رأس شمره^(۱) متنهای حکیمانه‌ای را که به زبان اکدی نگاشته شده‌اند باز یافته‌اند. حکمت آحیکار از محبای آرامی زبان نشأت گرفته است، متنی که دارای منشأ آشوری است و به چند زبان که برگردانده شده است. این حکمت، بین‌المللی است. در آن دغدغه‌های دینی اندکی وجود دارد در زمینه عرفی افعال می‌شود. سرنوشت افراد را روشن می‌سازد و این کار را نه با تفکر فلسفی به شیوه یونانیان، بلکه با برچیدن میوه‌های تجربه انجام می‌دهد. هنر نیکو زیستن است و نه تئوری تربیت نیکو را در خود دارد. به آدمی می‌آموزد که با نظم کائنات وفق یابد و باید به او امکان نیکبخت شدن و کامیاب گشتن را بدهد. اما همواره چنین نمی‌شود و این تجربه توجیه‌گر بدبینی پاره‌ای از آثار حکمت در مصر و نیز بین‌النهرین است.

اسرائیلیان با این حکمت آشنا شدند. زیباترین ستایشی که در کتاب مقدس از حکمت

(۱) Râs Shamra، تَلْ رأس شمره در ۱۰ کیلومتری شمال لاذقیه در غرب سوریه قرار دارد. - م.

سلیمان شده این است که از حکمت پسران مشرق و حکمت مصر پیشی می‌گرفت (۱) یا: ۱۰/۵). حکیمان عرب و آدومی مشهور بودند (ار: ۷/۴۹؛ با: ۲۲/۳-۲۳؛ عو: ۸). ایوب و سه حکیم که دوستان او بودند، در آدوم می‌زیستند. مؤلف کتاب طوییا حکمت اخیکار را می‌شناخت و در ام: ۱۷/۲۲-۱۱/۲۳ دقیقاً از حکمت‌های آمیم‌اوپه^(۱) پیروی می‌شود. چند مزمور به هیان و ایتان منسوب گشته‌اند که بر اساس ۱ یا: ۱۱/۵، حکیمان کنعان بودند. کتاب امثال حاوی سخنان آجور (ام: ۱۴/۳۰-۱۳) و لموئیل (ام: ۱۶/۳۱-۹) است که هر دو اهل مَسّا، قبیله‌ای در شمال عربستان، بودند (پی: ۱۴/۲۵).

می‌توان گفت که نخستین آثار حکیمانه اسرائیل بسیار شبیه آثار همسایگانش هستند: این آثار از همان خاک سر برمی‌آورند. در بخش‌های کهن کتاب امثال، جز احکام حکمت بشر به دست داده نمی‌شوند. اگر حکمت بن‌سیرا و حکمت سلیمان را که جدیدترین آثارند، بررسی کنیم، در کتاب‌های حکمت به مضمون‌های بزرگ عهد عتیق همچون شریعت، عهد، کزیش، رنج‌ها، پرداخته نمی‌شود. حکیمان اسرائیل نگران تاریخ و آینده قوم خود نیستند و همانند همتایان مشرق‌زمینی خویش، به سرنوشت افراد توجه می‌کنند. اما در پرتو نوری بالاتر به آفرینش و افکندگی که همان نور دین یهوی است. در نتیجه، به رغم منشأ مشترک و شباهت‌های زیاد، تفریق اساسی به نفع حکمت اسرائیلی وجود دارد که با پیشرفت وحی شدت می‌گیرد. غلبه حکمت - جهالت مبدل به تقابل میان دادگری و ستمگری، پرهیزگاری و بیدینی می‌گردد. در واقع حکمت راستین، ترس از خدا است و ترس از خدا، پرهیزگاری است. اگر حکمت منزه از انسان‌گرایی است، می‌توان گفت که حکمت اسرائیلی «انسان‌گرایی دیندارانه» است.

اما این ارزش دینی حکمت تنها اندک اندک نمایان گشت. لفظ عبری - حکمت، مفهوم پیچیده‌ای دارد و می‌تواند دلالت بر مهارت دستی یا حرفه‌ای، معنی سیاسی، قوه تمیز، و نیز زیرکی، کاردانی، هنر ساحری داشته باشد. این حکمت بشری می‌تواند برای نیکی و بدی افعال شود و این ایهام، توجیه‌گر داوریه‌ای ناموافق است که پیامبران در مورد

(۱) Amenemopé، آمیم‌اوپه فرعون سلسله بیست و یکم مصر باستان بود و در ۹۹۱ ق م به سلطنت رسید. -م.

حکیمان انجام می دهند (همچون اش: ۲۱/۵؛ ۱۴/۲۹؛ ار: ۹/۸). همچنین می توانند این امر را تعلیل کند که چرا دیرزمانی از حکمت خدا سخن گفته شده است، اگرچه خدا به آدمیان حکمت می دهد و پیش از آن در اوگاریت، حکمت صفت خدای بزرگ ال بوده است. صرفاً در نوشته های دوران پس از تبعید قوم یهود به بابل گفته خواهد شد که تنها خدا حکیم است، حکمتی متعالی که آدمی آن را در آفرینش فعال می بیند، اما از تفحص در باب آن عاجز است (ای: ۲۸؛ فصلهای ۳۸-۳۹؛ سی: ۱۰/۱-۱۰/۱۶؛ ب: ۳۹/۳۹؛ ب: ۳۳/۴۳-۱۵/۴۱، و غیره). در دیباچه مفصلی که در آغاز کتاب امثال آمده است (م: ۱-۹)، حکمت الهی همانند شخص سخن می گوید، از ازل توأمان در خدا حاضر است و با او را آفرینش عمل می کند (به ویژه در ۳۱-۲۲/۸). در ای: ۲۸، مجزا از خدا پدیدار می شود. بدینسان تنها او می داند حکمت کجا نهان می گردد. در سی: ۲۴، خود حکمت می گوید که از دامن خدای متعال برون گشته است و ساکن آسمانها است و از سوی خدا نزد اسرائیل گسیل گشته است. در حک: ۲۲/۷-۱/۸، فیضان مجد خدای قادر و صورتی از تعالی او است. بدینسان، حکمت که صفت خدا است، از او منفک می شود و مبدل به شخص می گردد. در ایل عهد عتیق، این عبارات که چنین زنده اند، فراتر از حدود تشخیص ادبی می روند، اما راز خود را حفظ می کنند و زمینه ساز مکاشفه اقامیم الهی می شوند. همانند این حکمت، «کلمه مقدس» متنا توأمان در خدا و بیرون از خدا است، و تمامی این منتهای بزرگ توجیه گر لقب «حکمت خدا» هستند که قدیس پولس به مسیح می دهد (۱ کر: ۲۴/۱).

از آنجا که سرنوشت اشخاص دغدغه بارز حکیمان بوده، مسئله برادر نظر ایشان اهییتی اساسی داشته است. این آموزه در محیط آنان و از طریق تفکرشان حول می یابد. در بخشهای قدیمی کتاب امثال، حکمت، یعنی دادگری، لزوماً به نیکبختی راه می برد و جهالت، یعنی ظلم، به نابودی می انجامد. خدا بدین سان نیکان را پاداش و شریران را کیفر می دهد. دیدگاه دیباچه کتاب امثال نیز چنین است (۳۳/۳-۳۵؛ ۶/۹ و ۱۸). پس این آموزه مبنای تعلیم حکمت است و با فرمانروایی خدایی حکیم و دادگر بر دنیا خاتمه می پذیرد. آموزه مزبور مدعی استناد به تجربه است، با این همه، تجربه اغلب منافی آن

است. این همان نکته‌ای است که در کتاب ایوب به صورت غامبی عرضه می‌گردد، کتابی که در آن سه دوست به دفاع از نظر سنتی می‌پردازند. اما اگر به جزایهای دنیوی اکتفا کنیم، برای مسئله دادگر سیه‌روز پاسخی که برای ذهن قانع‌کننده باشد وجود ندارد؛ با این همه، کاری جز درآویختن مؤمنانه به خدا نمی‌توان کرد. در کتاب جامعه اگرچه لمن متفاوتی وجود دارد، راه حل دیگری به دست داده نمی‌شود؛ در این اثر نیز بر نارسایی پاسخهای رایج تأکید می‌شود و پذیرفته نمی‌شود که بتوان از خدا حساب خواست و نیکیبختی را چون بدهی مطالبه کرد. کتاب حکمت بن‌سیرا به همین آموزه وفادار می‌ماند و در آن از نیکیبختی حکیم تعریف می‌شود (۱۴/۲۰-۱۵/۱۰)، اما اندیشه مرگ مایه عذاب می‌گردد و با علم به این که همه چیز بسته به این ساعت آخر است، گفته می‌شود: «بر خداوند آن است که به روز مرگ، هر کس را بر حسب اعمالش جزا دهد» (۲۶/۱۱). بنگرید به ۱۳/۱-۱۶/۱، ۲۶/۱۰-۶/۴۱؛ (۹/۴۱). در این اثر آموزه «آخر زمان» پیشاپیش احساس می‌شود، اما بر روی بی‌غمی‌گردد. اندکی پس از این کتاب، در دان: ۲/۱۲ به ایمان به جزای آن سوی گور صریح خواهد شد و این ایمان در پیوند با ایمان به رستاخیز مردگان قرار خواهد گرفت، چرا که در اندیشه عبرانی، حیات روح جدای از جسم به تصور در نمی‌آمد. در یهودیت اسکندری، به رفتن بر طبق راهی موازی انجام خواهد پذیرفت و جلوتر خواهد رفت. پس از آن که فلسفه افلاطون با نظریه جان نامیرای خود، اندیشه عبرانی را از قید و بندهای رهانید. در کتاب حکمت سلیمان تأیید شد که «خدا آدمی را بهر نامیرایی آفریده است» (۲۳/۲) و جان مؤمن پس از مرگ، از سعادت بی‌پایان نزد خدا بهره‌مند خواهد شد، در حالی که بیدینان کیفر خود را خواهند دید (۱۲-۱/۳). سرانجام به مشکل بزرگ حکیمان اسرائیل پاسخ داده شد.

ساده‌ترین و کهن‌ترین قالب ادبیات حکیمانه ماشال^(۱) است. عنوان کتابی که آن را «امثال» می‌نامیم، به صیغه جمع چنین است. ماشال به بیان دقیق‌تر، عبارت تأثیرگذاری است که توجه را جلب می‌کند، بیان مردمی یا حکمت است. مجموعه‌های کهن امثال جز حاوی مثالهای موجز نیستند. سپس ماشال بسط می‌یابد و مبدل به تمثیل یا استعاره، گفتار

(۱) *māshāl*، لفظ عبری که به معنی «مثال» است. -م.

و استدلال می‌شود. این تحول که در بخشهای کوچک ضمیمه کتاب امثال و بیش از آن در دیباچه (ام: ۱-۹) محسوس است، در کتابهای بعدی شتاب می‌گیرد: کتاب ایوب یا حکمت سلیمان آثار ادبی بزرگی هستند.

فراسوی تمامی این قالبهای ادبی، حتی ساده‌ترین آنها، منشأ حکمت باید در زندگی خانواده یا قبیله جست و جو شود. ملاحظات در باب طبیعت و انسانها که نسل اندر نسل بر هم انباشته شدند، در قالب مثلها، کلامهای روستایی و حکایتهای اخلاقی موجز بیان می‌شدند که کاربرد اخلاقی داشتند و به منزله قاعده رفتاری به کار گرفته می‌شدند. همین منشأ می‌تواند به نخستین صورت‌بندیهای حقوق عرفی نسبت داده شود که در مثلهای حکمت، گاه به محتمل نه تنها به قالب آنها برمی‌خوریم. این جریان حکمت مردمی به موازات شکل‌گیری مجموعه‌های حکایانه ادامه یافت. برای نمونه، امثال ۱ سم: ۱۴/۲۴؛ ۱ پا: ۱۱/۲۰ و حدیث باو: ۸-۱۵ و ۲ پا: ۹/۱۴ از آن سرچشمه می‌گیرند و خود پیامبران از آن وام گرفته‌اند (هم‌سند: ۲۸-۲۴/۲۸؛ ار: ۱۷/۱۱-۵).

ایجازِ مثلهایی که در حافظه می‌ماند، آنها را مناسب تعلیم شفاهی می‌ساخت. این مثلها را پدر یا مادر به پسر خود می‌آموختند (ام: ۸/۱؛ ۱/۴؛ ۱/۳۱؛ سی: ۱/۳) و استاد به شاگردی که تربیت می‌کرد «پرم» می‌گفت، چرا که حکیمان مکتب داشتند (سی: ۲۳/۵۱، ۲۶؛ بنگرید به ام: ۱/۷؛ ب: ۱/۹). عکسِ بدل به امتیاز طبقه باسواد و در نتیجه طبقه‌ای که قادر به نوشتن نیز بودند شد؛ حکیمان و کاتبان در ار: ۸/۸-۹ کنار هم نمودار می‌شوند و در سی: ۲۴/۳۸-۱۱/۳۹ بیشه کتاب که به او امکان کسب حکمت می‌دهد، برابر حرفه‌های یدی قرار می‌گیرد و تحسین می‌شود. دیباچه کارگزاران پادشاه را تأمین می‌کردند و آموزه‌های حکمت نخست در دربار بسط می‌یافتند. همه این نشانه‌ها، نظایر دقیقی در سایر محیطهای حکمت شرقی، در مصر یا بین‌النهرین، دارند. یکی از مجموعه‌های امثال سلیمان به دست «مردان حزقیّا، پادشاه یهودا» گردآوری شد (ام: ۱/۲۵). اما این حکیمان صرفاً گردآورندگان حکمتهای باستانی نبودند، بلکه خود ایشان می‌نوشتند. دو اثر ادبی که احتمالاً در دربار سلیمان تصنیف شدند، یعنی سرگذشت یوسف و سرگذشت جانشینی داود، می‌توانند به منزله نوشته‌های حکمت شمرده شوند.